



خواجه نصیر بایکدهم درآمداوقاف چه کرد/ احیاگر حیات عقلی جهان اسلام

هلاکوخان مدیریت اوقاف را به خواجه نصیر داد و خواجه نیز یک دهم آنرا هزینه ساخت رصدخانه مراغه و ساخت مجتمع علمی و کتابخانه بزرگی کرد و توانست چهارصد هزار جلد کتاب و دانشمندان بزرگی را جمع آوری کند.

پنجم اسفندماه روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی است که به عنوان روز مهندسی نامگذاری شده است. محمد بن حسن جهرودی طوسی مشهور به خواجه نصیر الدین طوسی در تاریخ ۱۵ جمادی الاول سال ۵۹۸ هجری قمری در طوس ولادت یافته است. او به تحصیل دانش علاقه زیادی داشت و از دوران جوانی در علوم ریاضی و نجوم و حکمت سرآمد شد و از دانشمندان معروف زمان خود گردید. طوسی یکی از سرشناس ترین و با نفوذترین چهره های تاریخ اسلامی است.

ریاضیات اعجاب انگیز خواجه

علامه حسن زاده آملی در کتاب سیره امامان می نویسد: بنده حدود سی سال پیش صحبتی با یک ریاضیدان داشتم تا اینکه کلام کشید به این شکل هندسی قطاع من از او، به خاطر غرض الهی که در نظرم داشتم، سؤال کردم: عزیز من! از این شکل چند حکم هندسی می توان استفاده کرد؟ گفت: شاید هفت تا ده تا حکم. گفتم: مثلاً بیست تا چطور؟ گفت: شاید. ممکن است. گفتم: دویست تا چطور؟ به من نگاه می کرد که آیا دویست حکم هندسی می توان از آن استنباط کرد و توقف کرد. گفتم: دویست هزار چطور؟ خیال می کرد که من سر مطایبه و شوخی دارم و به مجاز حرف می زنم.

بعد به او گفتم: آقا! این خواجه نصیرالدین طوسی کتابی دارد به نام کشف القبا عمن اسرار شکل القطاع و جناب خواجه از این شکل، چهارصد و نود و هفت هزار و ششصد و شصت و چهار حکم هندسی استنباط کرده؛ یعنی قریب نیم میلیون. بعد به او گفتم: این خواجه نصیر طوسی که راجع به یک شکل هندسی، یک کتاب نوشته و قریب پانصد هزار حکم از آن استنباط کرده، شما آن کتاب و خود خواجه را می شناسی؟ گفت: خیر.

روی قبر خواجه نصیر چه نوشته شده

بعد راجع شخصیت خواجه صحبت کردیم و به او گفتیم: این خواجه وقتی که در بغداد حالش دگرگون شد و دید دارد از این نشانه به جوار الهی ارتحال می کند، وصیت کرد: مرا از کنار امام هفتم (ع)، باب الحوائج الی الله، از این معقل و پناهگاه بیرون نبرید و در عیبه به خاک بسپارند و روی قبر در پیشگاه امام هفتم؛ مثلاً نوشته نشود، آیت الله، علامه و ... این امام است، حجت الله است. قرآن ناطق و امام ملک و ملکوت است. روی قبر من بنویسید: «وکلّهم باسیطٌ ذراعیه بالوصید».

این عالمی است صاحب این همه کتاب در حکمت، فلسفه، عرفان، ریاضیات، فقه و اصول، علوم غریبه، معماری و مهندسی و بناکننده رصدخانه مراغه و صاحب زیج ایلخانی و بالاخره خواجه نصیرالدین طوسی و استاد بشر و استاد کل فی الكل. اما در پیشگاه امام هفتم (ع) این طور وصیت می کند که روی قبرش بنویسند.

خواجه علوم دینی و علوم عملی را زیر نظر پدرش و منطق و حکمت را نزد خالویش بابا افضل ایوبی کاشانی آموخت. تحصیلاتش را در نیشابور به اتمام رسانید و در آنجا به عنوان دانشمندی برجسته شهرت یافت. خواجه نصیر الدین طوسی را دسته ای از دانشوران خاتم فلاسفه و گروهی او را عقل حادی عشر (یازدهم) نام نهاده اند. علامه حلی که یکی از شاگردان خواجه نصیر الدین طوسی می باشد درباره استادش چنین می نویسد: خواجه نصیر الدین طوسی افضل عصر ما بود و از علوم عقلیه و نقلیه مصنفات بسیار داشت. او اشرف کسانی است که ما آنها را درک کرده ایم. خدا نورانی کند ضریح او را.

در خدمت او الهیات، شفای ابن سینا و تذکره ای در هیئت را که از تألیفات خود آن بزرگوار است قرائت کردم. پس او را اجل مختوم دریافت و خدای روح او را مقدس کند. نصیرالدین زمانی پیش از سال ۶۱۱ در مقابل پیشروی مغولان به یکی از قلعه های ناصرالدین محتشم فرمانروای اسماعیلی پناه برد. این کار به وی امکان داد که برخی از آثار مهم اخلاقی، منطقی، فلسفی و ریاضی خود از جمله مشهورترین کتابش «اخلاق ناصری» را به رشته تحریر درآورد.

خواجه مدیریت اوقاف ایران و عراق را عهده دار شد

وقتی که هولاکو به فرمانروایی اسماعیلیان در سال ۶۳۵ پایان داد طوسی را در خدمت خود نگاه داشت و به او اجازه داد که رصدخانه بزرگی در مراغه احداث کند که شروع آن از سال ۶۳۸ بود. برای کمک به رصدخانه علاوه کمکهای مالی دولت، مدیریت اوقاف سراسر کشور نیز در اختیار خواجه گذارده شده بود که از عشر (یک دهم) آن جهت امر رصدخانه و خرید وسایل و اسباب و آلات و کتب استفاده می نمود در نزدیکی رصدخانه کتابخانه بزرگی ساخته شده بود که در حدود چهارصد هزار جلد کتب نفیس جهت استفاده دانشمندان و فضلا قرار داده بود که از بغداد و شام و بیروت و الجزیره بدست آورده بودند در جوار رصدخانه یک سرای عالی برای خواجه و جماعت منجمین ساخته بودند و مدرسه علمیه ای جهت استفاده طلاب دانشجویان.

این کارها مدت ۱۳ سال به طول انجامید تا اینکه ایلخان هلاکوی مغولی در سال ۶۶۳ درگذشت. لیکن خواجه تا آخرین دقایق عمر خود اجازه نداد که خللی در کار آنجا رخ دهد و کوشش بسیار نمود که آن رصدخانه و کتابخانه از بین نرود. قسمت اعظم

۱۵۰ رساله و نامه های طوسی به زبان عربی نوشته شده است. وسعت معلومات و نفوذ او با ابن سینا قابل قیاس است جز آنکه ابن سینا پزشک بهتری بود و طوسی ریاضیدان برتری. از پنج کتابی که در زمینه منطق نوشته شده است اساس الاقتباس از همه مهمتر است. در ریاضیات تحریرهایی بر آثار آوتولوکوس، آرسناخوس، اقلیدس، آپولونیوس، ارشمیدس، هویسیکلس، تئودوسیوس منلائوس و بطلمیوس نوشت. از جمله مهمترین آثار اصیل وی در حساب هندسه و مثلثات جوامع الحساب بالتخت و التراب، رساله الشافیه و اثر معروفش کتاب شکل القطاع است که به نوشته های رگیومونتانوس اثر گذارده است.

آثار نجومی خواجه

معروفترین آثار نجومی وی زیج ایلخانی که در سال ۶۵۰ نوشته شده می باشد و همچنین تذکره فی علم الهیئه است. کتاب تنسوق نامه و کتابهایی در زمینه اختربینی نیز نوشته است. احتمالاً برجسته ترین کار طوسی در ریاضیات در زمینه مثلثات بوده است در کشف القناع عن اسرار شکل القطاع، وی نخستین کسی بود که مثلثات را بدون توسل به قضیه منلائوس یا نجوم توسعه بخشید و هم او بود که برای نخستین بار قضیه جیب را، که رویداد برجسته ای در تاریخ ریاضیات است به روشنی بیان کرد. در نجوم تذکره فی علم الهیئه وی شاید کاملترین نقد بر نجوم بطلمیوسی در قرون وسطی و معرف تنها الگوی ریاضی جدید حرکات سیارات است که در نجوم قرون وسطی نوشته شده است.

این کتاب به احتمال زیاد از راه نوشته های منجمان بیزانسی به کوپرنیک اثر گذاشته است و همراه با کار شاگردان طوسی متضمن تمام تازه های نجومی کوپرنیکی است به استثنای فرضیه خورشید مرکزی آن. نصیر الدین طوسی با اینکه سرو کارش بیشتر در سیاست و اجتماع بوده روشن ترین راه را که برای رسیدن به جهان جاودانی نشان می دهد دیانت است. اگرچه در تمام نوشته های خود دم از استقلال و معرفت می زند اما آشکارا می گوید دانش تنها از ایمان و دین حاصل می شود و حقیقت دانش را دین می داند که تسلی بخش جانها و روان بخش کالبدهای افسرده است. طوسی بیشتر به عنوان منجم معروف است و رصدخانه وی یک مؤسسه علمی در تاریخ علم به شمار می رود. کتاب تنسوق نامه او از لحاظ موضوع فقط در مقایسه با مشابهنش یعنی کتاب بیرونی (کتاب الجماهر فی معرفت الجواهر) در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

احیاگر حیات عقلی جهان اسلام

محقق طوسی یکی از پیشروترین فلاسفه اسلامی است که تعلیمات مشائی ابن سینا را پس از آن که در طول دو سده در محاق «کلام» قرار گرفته بودند احیا کرد. او مظهر نخستین مرحله ترکیب تدریجی مکتبهای مشائی و اشراقی است. او با پاسخ به انتقادات غزالی، شهرستانی و فخر رازی به فلسفه باعث شد حیات عقلی در جهان اسلام و خصوصاً ایران ادامه پیدا کند. **خواجه** پس از ابن رشد که در برابر انتقادات امام محمد غزالی از فلسفه دفاع کرده بود، دومین کسی است که به نحو شایسته از فلسفه دفاع کرد و آنرا به جایگاه اصلی خود بازگرداند. ابن رشد اندلسی در برابر غزالی که «تهافت الفلاسفه» را نوشت، کتاب «تهافت التهافت» را نگاشت و نخستین کسی بود که از فلسفه دفاع کرد. **خواجه نصیرالدین طوسی** هم در برابر شرح اشارات فخرالدین رازی، شرح دیگری بر اشارات نوشت و از اتهامات و انتقادات فخر رازی نسبت به ابن سینا انتقاد کرد و به آنها پاسخ داد.

همچنین خواجه در مصارع المصارع به تحلیل و بررسی کتاب مصارع الفلاسفه محمد بن عبدالکریم شهرستانی پرداخته که در واقع پاسخ به شبهات و اشکالاتی است که دیدگاه کلام اشعری نسبت به فلسفه دارد. شهرستانی در کتاب مصارع الفلاسفه (کشتی گرفتن با فلاسفه) به نقد و روش و مباح ابن سینا پرداخته و در مواردی نیز تعبیر گزنده ای نسبت به ابن سینا به کار برده است. خواجه در این کتاب (مصارع المصارع) ضعفها و نادرستی های دیدگاه شهرستانی در انتقاد از فلسفه و ابن سینا را آشکار می کند و مغالطه های شهرستانی را به خوبی نشان می دهد. **خواجه دومین کسی است که از فلسفه و ابن سینا به نیکی دفاع کرد. تفاوت ابن رشد و خواجه نصیرالدین طوسی بر این است که نخست اینکه ابن رشد ابتدا غزالی را رد می کند اما بعدها با غزالی همدلی می کند و بر علیه ابن سینا موضع گیری می کند. دوم اینکه ابن رشد از خود هیچ شاگردی بر جا نگذاشت اما خواجه نصیرالدین طوسی با واسطه شاگردی مانند ملاصدرا دارد.**

خواجه مبنای الهیات اصولی شیعه دوازده امامی را نوشت

اخلاق ناصری وی رایج ترین کتاب اخلاقی بین مسلمانان هند و ایران بوده است. تجرید العقاید او در کلام مبنای الهیات اصولی شیعه دوازده امامی است. محقق طوسی احتمالاً بیش از هر فرد دیگر مایه احیای علوم اسلامی بوده است. گروهی خواجه را برهم زننده وحدت دو ملت عربی و اسلامی می پندارند و می گویند به دست او وحدت عربی در آن زمان پاشیده شد. در حقیقت خواجه در این باب گناهی نداشت و اگر لیاقت خواجه پس از آن همه وقایع و خونریزی به داد مسلمانان نرسیده بود جهان اسلامی امروز چه وضعیتی داشت؟ در سال ۶۷۲ هجری قمری نصیر الدین طوسی با جمعی از شاگردان خود به بغداد رفت که بقایای کتابهای تاراج رفته را جمع آوری و به مراغه بازگرداند اما اجل مهلتش نداد و در تاریخ ۱۸ ذی الحجه سال ۶۷۲ هجری قمری در کاظمین نزدیک بغداد دار فانی را وداع گفت. نصیر الدین طوسی ستاره درخشانی بود که در افق تاریخ مغول درخشید و در هر شهری که پاگذارد آنجا را به نور حکمت و دانش و اخلاق روشن ساخت و در آن دوره تاریخ جود چنین دانشمندی مایه اعجاب و اعجاز بود.